



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 18, Summer 2025, No. 68

An Analysis of Insightful Components of Education in the Human-God Relationship: With Emphasis on Shahid Sadr's Interpretive Approach

Ebrahim Ameli¹ \ Mohammad Ali Majdfaghihi²

1. PhD in Teaching the Islamic Ethics, Islamic Maaref University, Qom, Iran (Corresponding Author).
ebrahime1364@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Islamic Maaref University, Qom, Iran.
majd@maaref.ac.ir

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	The main problem of this research is explaining "Insightful Education" (<i>Tarbiyat-e Binishi</i>) as an internal and guiding dimension in the Islamic educational system regarding the human-God relationship. This dimension focuses on shaping the perceptual, interpretive, and attitudinal frameworks of the learner toward God and is distinct from "educational insight," which refers to the theoretical assumptions of the educator or the educational system. Insightful education, particularly at the intermediate level, prepares the ground for a conscious and proximity-oriented relationship with God by enhancing religious awareness, deepening monotheistic tendencies, and giving meaning to acts of worship. Using a descriptive-analytical method and Shahid Sadr's interpretive-interrogative approach (<i>Istintaqi</i>), this research extracts the insightful components of education from narrated supplications (<i>Ad'iyah</i>). Findings indicate that these components include monotheism in worship and influence, positive thinking (<i>Husn-al-Zann</i>) toward God, belief in Divine absolute knowledge and power, perceiving His constant presence, recognizing God as the true refuge, and knowing the Prophet and the Ahl al-Bayt. The results suggest that insightful education is a staged process leading to conscious servitude and the formation of a religious personality.
Received: 2024/12/22	
Accepted: 2025/06/11	
Keywords	Educational Goals, Islamic Education, Insightful Education, Shahid Sadr, Human-God Relationship.
Cite this article:	Ameli, Ebrahim & Mohammad Ali Majdfaghihi (2025). An Analysis of Insightful Components of Education in the Human-God Relationship: With Emphasis on Shahid Sadr's Interpretive Approach. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (2). 97-118. DOI: ??
DOI:	
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تحليل المكونات البصريّة للتربية في علاقة الإنسان بالله مع التأكيد على المنهج التفسيري للشهيد الصدر

إبراهيم عاملي^١ / محمد علي مجد فقيهي^٢

١. خريج دكتوراه، قسم تدريس الأخلاق الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران (الكاتب المسؤول).

ebrahime1364@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، قسم معارف القرآن والحديث، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.

majd@maaref.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	تتمثل المسألة الرئيسة لهذا البحث في تبين مفهوم «التربية البصريّة (التربية البصريّة)» بوصفه ساحةً داخليةً وموجّهةً في نظام التربية الإسلامية في علاقة الإنسان بالله تعالى. وتركز هذه الساحة على تشكيل الأطر الإدراكية والتفسيرية والاتجاهية لدى المتربّي تجاه الله سبحانه، وهي متميّزة عن «البصيرة التربوية» التي تتعلّق بالافتراضات النظرية للمتربّي أو للنظام التربوي. وتؤدّي التربية البصريّة، ولا سيّما في المستوى الوسيط، دوراً أساسياً في الارتقاء بالوعي الديني، وتعميق النزعات التوحيدية، وإضفاء المعنى على السلوك العبادي، بما يهيئ لإقامة علاقة واعية وقربوية مع الله تعالى. اعتمد البحث المنهج الوصفي - التحليلي، وبمقاربة تفسيرية - استنطاقية وفق منهج الشهيد الصدر، في استخراج المكونات البصريّة للتربية من الأدعية المأثورة. وتُظهر النتائج أنّ هذه المكونات تشمل: التوحيد في العبادة والتأثير، وحسن الظنّ بالله، والإيمان بعلمه وقدرته المطلقة، وإدراك حضوره الدائم، ومعرفة الله بوصفه الملجأ الحقيقي، ومعرفة النبي وأهل البيت <small>عليهم السلام</small> . وتخلص النتائج إلى أنّ التربية البصريّة عمليةٌ مرحليةٌ تؤدّي إلى عبودية واعية وإلى تشكّل الشخصية الدينية للإنسان.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٦/١٩	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/١٠/١٤	
الألفاظ المفتاحية	أهداف التربية، التربية الإسلامية، التربية البصريّة، الشهيد الصدر، علاقة الإنسان بالله.
الاقتباس:	عاملي، إبراهيم و محمد علي مجد فقيهي (١٤٤٧). تحليل المكونات البصريّة للتربية في علاقة الإنسان بالله مع التأكيد على المنهج التفسيري للشهيد الصدر. مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٨ (٢). ١١٨ - ٩٧. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۸، تابستان ۱۴۰۴، شماره ۶۸

واکاوی مؤلفه‌های بینشی تربیت در ارتباط انسان با خدا با تأکید بر رویکرد تفسیری شهید صدر

ابراهیم عاملی^۱ / محمدعلی مجدقیهی^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری، رشته مدرسی اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ebrahime1364@gmail.com

۲. استادیار، گروه معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

majd@maaref.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۹۷ - ۱۱۸)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱</p>	<p>مسئله اصلی این پژوهش، تبیین «تربیت بینشی» به‌مثابه ساحتی درونی و جهت‌دهنده در نظام تربیت اسلامی در ارتباط انسان با خداست. این ساحت بر شکل‌دهی چارچوب‌های ادراکی، تفسیری و نگرشی متربی نسبت به خداوند تمرکز دارد و از «بینش تربیتی» که ناظر به پیش‌فرض‌های نظری مربی یا نظام تربیتی است، متمایز می‌شود. تربیت بینشی، به‌ویژه در سطح میانی، با ارتقای آگاهی دینی، تعمیق گرایش‌های توحیدی و معنادارسازی رفتار عبادی، زمینه‌ساز ارتباطی آگاهانه و تقرب‌محور با خداوند است. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تفسیری - استنتاجی شهید صدر، مؤلفه‌های بینشی تربیت را از ادعیه مأثور استخراج کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این مؤلفه‌ها شامل توحید در عبادت و تأثیر، حسن‌ظن به خدا، باور به علم و قدرت مطلق الهی، درک حضور مستمر او، شناخت خدا به‌عنوان پناهگاه حقیقی و معرفت به پیامبر و اهل‌بیت <small>علیهم‌السلام</small> است. نتایج حاکی از آن است که تربیت بینشی فرایندی مرحله‌مند است که به عبودیت آگاهانه و شکل‌گیری شخصیت دینی می‌انجامد.</p>
<p>واژگان کلیدی</p>	<p>اهداف تربیت، تربیت اسلامی، تربیت بینشی، شهید صدر، ارتباط انسان با خدا.</p>
<p>استناد:</p>	<p>عاملی، ابراهیم و محمدعلی مجدقیهی (۱۴۰۴). واکاوی مؤلفه‌های بینشی تربیت در ارتباط انسان با خدا با تأکید بر رویکرد تفسیری شهید صدر. پژوهش‌نامه اخلاق. ۱۸ (۲). ۹۷ - ۱۱۸. DOI: ??</p>
<p>کد DOI:</p>	<p>??</p>
<p>ناشر:</p>	<p>دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.</p>

طرح مسئله

تربیت در منظومه معرفتی اسلام فرایندی نظام‌مند، چندسطحی و هدف‌محور است که در سه ساحت اساسی بینش، گرایش و کنش تحقق می‌یابد. در این میان، تربیت بینشی، به مثابه شالوده و نقطه عزیمت تربیت دینی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری نگرش توحیدی و تنظیم کنش‌های انسانی ایفا می‌کند. بینش، به معنای ادراک ژرف و حقیقت‌مدار از خداوند، هستی و جایگاه انسان، نه تنها پیش‌زمینه‌ای برای ایمان و عمل صالح است، بلکه بنیان تحولات درونی و کمال‌یابی انسان را نیز فراهم می‌سازد. براین اساس، در نظام تربیتی اسلام، دستیابی به این نوع بینش، در پیوندی وثیق با منابع اصیل دینی، به‌ویژه ادعیه مأثور و مناجات‌های معرفت‌گرا، تفسیر و تعمیق می‌شود.

ادعیه اسلامی، برخلاف برداشت‌های صوری، صرفاً ابزار درخواست نیستند، بلکه گنجینه‌ای از آموزه‌های توحیدی، اخلاقی و تربیتی به‌شمار می‌آیند که با بیانی درونی‌نگر و الهام‌بخش، بنیان‌های معرفتی و گرایشی انسان را بازسازی می‌کنند. در دل این مضامین، اهدافی نهفته است به‌عنوان اهداف واسطی بینشی که در تنظیم نگاه انسان به خداوند و تعمیق ارتباط با او نقشی سازنده ایفا می‌کنند. با این حال، واکاوی این اهداف نمی‌تواند صرفاً در قالب تحلیل توصیفی یا الفاظ ظاهری دعاها محدود بماند، بلکه مستلزم رویکردی عمیق و روشمند در مواجهه با متن دینی است. در این راستا، روش استنتاجی شهید صدر - که مبتنی بر کشف منطق درونی متن و گفتگو با آن است - افقی نو در فهم نظام‌مند اهداف تربیت بینشی گشوده و امکان دستیابی به مؤلفه‌های دقیق و مرتبط با فرایند تربیت را فراهم آورده است.

بر همین اساس، این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از رویکرد استنتاجی شهید صدر، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است: مؤلفه‌های بینشی تربیت در راستای ارتباط انسان با خدا، بر اساس رویکرد استنتاجی شهید صدر به متون دینی، کدامند و چگونه در فرایند تربیت دینی نقش‌آفرینی می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش، ضمن شناسایی خلأ موجود در نظام‌مندسازی اهداف میانی در تربیت دینی، می‌تواند به غنای نظری در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و کاربردهای آن در طراحی نظام‌های تربیتی بینجامد.

در زمینه تربیت اعتقادی، پژوهش‌های متعددی به‌منظور تبیین مؤلفه‌ها و الگوها، ابعاد و قلمرو آن صورت گرفته است. موسوی و همکاران، در مقاله «تبیین تحلیلی مؤلفه‌های تربیت دینی از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، به تعریف و تبیین تربیت دینی و حدود و ثغور آن و تبیین مؤلفه‌های تربیت دینی در سند مذکور پرداخته و مؤلفه‌ها را در ده مقوله ارائه داده‌اند. صفایی مقدم و همکارانش نیز،

در مقاله «بررسی ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین»، به بررسی ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی سند تحول بنیادین مبادرت ورزیده‌اند. در ادامه این روند، کارآمد و حسنی، در مقاله «الگوی تربیت اعتقادی در قرآن کریم با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی» و به منظور بررسی الگوی تربیت اعتقادی در قرآن کریم، به معرفی الگوی تربیتی آن پرداخته‌اند. برین و همکارانش، در مقاله «شناسایی مؤلفه‌های تربیت دینی در اسناد بالادستی آموزش و پرورش»، درصدد واکاوی نقش و جایگاه تربیت دینی در اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران بوده‌اند. همچنین، فیروزی و همکارانش، در مقاله «تأملی بر مؤلفه‌های تربیت دینی در مدارس ایران از دیدگاه دین مبین اسلام»، به مؤلفه‌های اساسی این تربیت، که شامل آموزش اصول اعتقادی، پرورش روحیه اخلاقی و تقویت ارزش‌های اسلامی مانند عدالت، صداقت و مسئولیت‌پذیری است، پرداخته‌اند.

این پژوهش، در امتداد مطالعات پیشین، اما با رویکردی متفاوت و نو، به بررسی مؤلفه‌های بینشی تربیت با توجه به رابطه انسان و خدا می‌پردازد. وجه تمایز این پژوهش در دو محور اصلی قابل توجه است: نخست تمرکز آن بر استنباط مؤلفه‌های بینشی در چهارچوب رابطه انسان با خدا؛ دوم استفاده از ادعیه اسلامی، به‌ویژه ادعیه مأثور، به‌عنوان منبع استخراج این مؤلفه‌ها؛ ادعیه‌ای که تاکنون کمتر به صورت نظام‌مند در مطالعات تربیتی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. این رویکرد زمینه‌ای برای شناسایی یکی از ابعاد ظرفیت معنوی ادعیه در تبیین اهداف تربیت اسلامی فراهم می‌آورد که کمتر بدان پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی

ابتدا مفاهیم این پژوهش بررسی می‌شود.

۱. تربیت

تربیت در ادبیات روان‌شناسی تربیتی فرایندی منظم، مستمر و چندبعدی برای رشد شخصیت انسان در ابعاد جسمی، شناختی، روانی، اخلاقی و اجتماعی تلقی می‌شود که با هدف سازگاری فرد با محیط و پذیرش اجتماعی او صورت می‌گیرد (سیف، ۱۴۰۳: ۳۷). این رویکرد، با تکیه بر مبانی مادی‌گرایانه، تربیت را ابزاری برای انطباق با جامعه می‌داند. درمقابل، در اندیشه اسلامی، تربیت فرایندی جهت‌دار، درونی و غایت‌مدار است که با هدف شکوفایی استعدادهای فطری و دستیابی به تعادل و کمال وجودی انسان پی‌ریزی می‌شود (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۲). بر همین اساس، بناری آن را کنش متقابل هدفمند میان مربی و متربی در مسیر رشد تعریف می‌کند (بناری، ۱۳۸۳: ۹۰) و فرهادیان نیز بر نقش انگیزش درونی و هدف‌نهایی سعادت تأکید دارد (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۳۵). حاصل جمع‌بندی این دیدگاه‌ها تعریفی جامع از

تربیت به دست می‌دهد: «تربیت فرایند یاری‌رسانی به متربی برای شکوفایی استعدادهای بالقوه، ایجاد تعادل در ساحت‌های وجودی و هدایت به سوی کمال است.» این معنا با ریشه لغوی واژه «ربو» نیز، که بر رشد و بالندگی دلالت دارد، هماهنگ است. با این حال، ارائه تعریفی فراگیر از تربیت همچنان از چالش‌های بنیادی حوزه تعلیم و تربیت به شمار می‌رود (میالاره، ۱۳۷۵: ۱۵).

۲. تربیت اسلامی

تربیت اسلامی در ظاهر با تعریف عام تربیت تفاوتی ندارد؛ زیرا هر دو بر انتقال آگاهی، پرورش استعدادها و تحول در شناخت، نگرش و رفتار تمرکز دارند؛ اما تمایز اصلی آن در مبانی هستی‌شناختی و جهت‌گیری توحیدی آن است که بر ارزش‌های دینی استوار است (حسینی‌زاده، ۱۴۰۲: ۷). برخی پژوهشگران، با حفظ ساختار کلی تعریف تربیت، اهداف آن را در چهارچوب تعالیم اسلامی بازتعریف کرده‌اند و برخی دیگر، با تأکید بر غایت‌گرایی، مفهوم آن را بازسازی کرده‌اند. در این میان، دیدگاه‌هایی همچون تأکید بر انگیزش درونی برای محبت به خدا و میل به عبودیت (کریمی، ۱۳۹۵: ۳۴ - ۳۳)، پذیرش آگاهانه ربوبیت الهی (باقری، ۱۳۹۸: ۵۳)، تحول شناختی پایدار (شاملی، ۱۳۹۴: ۴۶)، و نقش مفاهیم بنیادینی چون جایگاه خداوند و نسبت عقل و دین (اسماعیل علی، ۱۳۹۱: ۲۴) مطرح شده است. براین اساس، تربیت اسلامی فرایندی تعاملی و جهت‌دار در چهارچوب آموزه‌های دینی برای هدایت متربی به سوی کمال و رضایت الهی است (کارآمدپیشه، ۱۴۰۱: ۹۷).

۳. اهداف واسطی

تقسیم اهداف تربیتی به «اهداف کلی» و «اهداف واسطی» صرفاً یک دسته‌بندی سلیقه‌ای یا کاربردی نیست، بلکه مبتنی بر یک مبنای فلسفی و منطقی در تحلیل غایت تربیت است. اهداف کلی، به مثابه غایات نهایی، جهت‌گیری کلان تربیت را مشخص می‌سازند، اما به دلیل کلیت و تجرید بالای آنها، غالباً فاقد قابلیت اجرایی مستقیم‌اند. از این رو، اهداف واسطی، به‌عنوان سطوح میانی و تفصیلی، نقشی حیاتی در تبیین، تشریح و عملی‌سازی این اهداف ایفا می‌کنند. این اهداف شئون و ابعاد عینی‌شده هدف کلی را نمایندگی می‌کنند و از طریق آنها می‌توان تحقق نسبی یا کامل هدف کلی را سنجید. به بیان دیگر، نسبت اهداف کلی و واسطی همانند نسبت کل به اجزای تبیینی آن است؛ به‌گونه‌ای که بدون تحقق هدف‌های واسطی، ادعای تحقق هدف کلی فاقد پشتوانه معرفتی خواهد بود. براین اساس، تفکیک منطقی میان این سطوح از اهداف ضرورتی نظری و راهبردی در طراحی نظام‌مند برنامه‌های تربیتی به شمار می‌رود.

نکته مهم این است که اهداف واسطی، برخلاف اهداف کلی و غایی، حصر عقلی ندارند و استقرایی‌اند؛ به این معنا که تعداد و نوع آنها ثابت نیست و با توجه به مقتضیات و شرایط مخاطب (سن، جنس، استعدادها، محیط و...)، کم و زیاد می‌شوند (حسینی نیشابوری و صاعد رازی، ۱۴۰۳: ۱۶۸).

۴. حیطه بینشی

انسان دارای سه حیطه فکر و احساس و عمل است که بررسی رفتار او در هر یک از سطوح مذکور انجام می‌شود (ریویر، ۱۳۹۷: ۲۵۹ - ۱۲۴). بینش اطلاعات و آموزه‌های معرفتی است که برای شخص نگرش خاصی بسازد (اویسی، ۱۴۰۳: ۸۱) و نتیجه سلسله باورهایی از جهان و خدا و انسان و روابط آنهاست (شریفی، ۱۳۸۴: ۴۱۳). نکته مهم اذعان برخی اندیشمندان، مانند کوهن و لاکاتوش، درباره تأثیر مباحث متافیزیکی مانند بینش متأثر از متون مقدس در پارادایم‌هاست (امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۹: ۶۹). مقصود از حیطه‌های بینشی در تربیت حوزه‌هایی از تعلیم و تربیت است که با بینش انسان سروکار دارد. عموماً هدف تعلیم و تربیت در این حیطه‌ها آموزش یا تقویت بینش‌های مخاطبان است.

شناخت و بینش خود دارای مراحل مختلفی است. این مراحل را گاه به‌ترتیب دانش، درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی می‌دانند (سیف، ۱۴۰۳: ۴۵۵ - ۴۵۰؛ گرونلند، ۱۳۸۲: ۵۵ - ۵۳).

روش پژوهش

روش پژوهش روش استنتاج شهید صدر است. راه پیشنهادی ایشان شیوه‌ای است که آن را «فهم موضوعی» یا «اکتشاف مکتب» می‌نامد (مخلصی، ۱۳۷۶: ۱۵۰ - ۱۳۷). به باور وی، نصوص دینی وقتی به صورت تجزیه‌ای بررسی و فهم می‌شوند، مفسر، بدون هیچ‌گونه طرح یا نقشه پیشین، می‌کوشد مدلول و معنای نص را در پرتو معانی الفاظ و به کمک نشانه‌ها به دست آورد و سرانجام به اجتهادهایی پراکنده و حتی گاه ناهمگون دست می‌یابد. به جای این، باید شیوه فهم موضوعی را برگزید تا در پرتو آن به نظریه‌ای کامل و منسجم و اجتهادی که یک وحدت را می‌نماید و فلسفه واحد معینی را در یک موضوع روشن می‌کند دست یافت.

شهید صدر روش استنتاج نصوص دینی را در دو اثر خود به‌تفصیل تبیین کرده است: یکی در **اقتصادنا** و دیگری در **تفسیر موضوعی قرآن**. اگرچه در **تفسیر موضوعی** این روش در زمینه فهم دیدگاه‌های قرآن و در تبیین تفاوت میان تفسیر موضوعی و تجزیه‌ای به کار رفته، شهید صدر تأکید می‌کند که این شیوه در فهم سایر نصوص دینی نیز به‌طور یکسان قابل اجراست. ایشان در **اقتصادنا** نیز، برای استخراج مکتب اقتصادی اسلام، همین رویکرد استنتاجی را در تحلیل روایات به کار گرفته است

(صدر، بی‌تا: ۵۷ - ۱۵؛ صدر، ۱۳۸۱: ۴۶ - ۱۹). این روش بر خوانش هدفمند و مسئله‌محور از متون تأکید دارد و به جای تفسیر منفعل، درصدد کشف منظومه‌ای منسجم از دیدگاه‌های دینی است. با توجه به سخنان ایشان، می‌توان گفت فهم موضوعی دین وقتی صورت می‌گیرد که یکی از موضوع‌های زندگی یا اعتقادی یا اجتماعی را برگزینیم و بخواهیم دیدگاه اسلام و نظر نصوص دینی را درباره آن استنباط کنیم. بنابراین، اکتشاف نظریه‌ها و مسلک‌های فکری دین نیازمند دو گام اساسی‌اند:

۱. فهم تجزیه‌ای نصوص و استنباط احکام به روش اجتهاد دینی: در این مرحله، عناصر و مفردات نخستین یک نظریه، با دقت‌ها و موشکافی‌های کارشناسانه، از نصوص استخراج و جمع‌آوری می‌شوند؛
 ۲. در این مرحله، میان مفردات و مدلول‌های جداگانه نصوص، وحدت و پیوند نظری ایجاد می‌شود و به هر یک از آنها به این عنوان که جزئی از کل است و بخشی از نظریه را تفسیر می‌کند نگریسته می‌شود و سرانجام برای دستیابی به یک تفسیر کلی و نظام‌مند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند.
- عالم دینی، وقتی با این هدف‌گیری نصوص دینی را بررسی می‌کند، دیگر شنونده‌ای جامد و گزارشگری بی‌نقش نیست، بلکه برای طرح مسئله در برابر نصوص دینی به‌عنوان موضوعی که با اندیشه‌ها و مطالعات گسترده بشری سروکار دارد، گفتگوی خود را با متن نص آغاز می‌کند. او می‌پرسد و نص پاسخ می‌دهد، که به آن روش استنطاق می‌گویند.

اهداف تربیت اسلامی

تعیین هدف‌های تعلیم و تربیت از مسائل مهم نظری در تبیین ابعاد تربیت است که سمت‌وسوی تعلیم و تربیت و سازمان‌ها و تشکیلات آموزشی و پرورشی را مشخص می‌کند. بنابراین، در نظام تربیتی اسلام، اهداف متناسب با واقعیت انسان و هماهنگ با خصایص عمومی و سعادت‌نهایی او تعبیه شده است. این پژوهش در پی هدف کلی بینشی در ارتباط انسان با خدا، که از مؤلفه‌های واسطی تشکیل شده، است.

هدف کلی تربیت بینشی

با توجه به مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام، شرک و عبادت اصنام و پادشاهان مهم‌ترین مانع بر سر راه کمال و سعادت انسان است. به این دلیل، نخستین هدف از تعلیم و تربیت اسلامی برداشتن این مانع و تربیت مسلمین بر توحید و معرفت به خداوند متعال و درک توحید است. از نگاه شهید صدر، ایجاد نگرش توحیدی به‌عنوان محتوای باطنی انسان مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت اسلامی است (صدر، ۱۴۲۸ ق: ۲۴۱ - ۲۳۸). ایشان تربیت توحیدی، یعنی قرب و نزدیکی به ایدئال مطلق «الله» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۹۰)، را مهم‌ترین عامل در ایجاد تحرک و مسئولیت‌آفرینی و عدالت و هماهنگی میان

انسان‌ها می‌داند که هیچ امر دیگری نمی‌تواند انسان را به این مرتبه از کمالات و فضائل انسانی برساند (همان: ۱۹۴ و ۲۳۴).

یکی از سؤالاتی که در این موضوع پیش می‌آید این است که مؤلفه‌های هدف کلی تربیتی بینشی (اهداف واسطی) در راستای ارتباط انسان با خدا در ادعیه کدام‌اند و چگونه می‌توان آنها را از ادعیه استخراج کرد؟

اهداف واسطی تربیت بینشی

برای رسیدن به هدف کلی ایجاد نگرش توحیدی در ادعیه، مؤلفه‌های مختلفی به‌عنوان اهداف واسطی در نظر گرفته می‌شود که در ادامه به توضیح آنها پرداخته می‌شود. می‌توان این اهداف را در چهار محور تدریجی و مرتبط دسته‌بندی کرد که از شناخت نظری آغاز و به درونی‌سازی و تثبیت نگرش توحیدی ختم می‌شود:

۱. شناخت خداوند (بنیاد معرفتی)

در این مرحله، مخاطب با ذات، صفات و افعال خداوند آشنا می‌شود. این مرحله شامل این اهداف است:

۱. شناخت خدا به‌عنوان تنها ملجأ برآوردن حاجات؛
۲. شناخت رابطه پدیده‌های هستی با آفریدگار (رابط آیه‌ای و آینه‌ای به هستی)؛
۳. شناخت نعمت‌های الهی و اندیشه درباره آن؛
۴. پی بردن به قدرت مطلق خدا؛
۵. آگاهی یافتن به علم لایزال الهی.

۲. توحید و نفی غیر (تثبیت بینش توحیدی)

در این مرحله، عناصر معرفتی مرحله اول به بینش توحیدی منتهی می‌شوند:

۶. تهلیل و نفی شریک از ذات باری تعالی؛
۷. خدا را تنها مؤثر حقیقی در عالم دانستن؛
۸. شایسته عبادت دانستن پروردگار.

۳. نگرش قلبی و گرایش درونی (بُعد عاطفی معرفت)

ایجاد ارتباط قلبی با خداوند و درونی‌سازی محبت و اعتماد به او:

۹. خدا را تنها محبوب حقیقی و معشوق واقعی عالم دانستن؛

۱۰. نیک‌اندیشی درباره خدا؛

۱۱. شناخت پیامبر و اهل بیت (به‌عنوان راهنمایان محبت و معرفت به خداوند).

۴. مراقبت و حضور قلبی (تثبیت بینش در عمل و حضور ذهنی)

این اهداف نشان‌دهنده حضور دائم خدا در ذهن و عمل‌اند:

۱۲. حاضر و ناظر دانستن خدا؛

۱۳. همواره به یاد خدا بودن.

اهداف مراحل اول و دوم بیشتر به جنبه بنیادی و تثبیتی بینش اشاره دارند و اهداف مراحل سوم و چهارم بیشتر به جنبه عاطفی و رفتاری بینش اشاره می‌کنند. برخی اهداف مثل «شناخت پیامبر و اهل بیت» هم نقش مستقل دارند و هم به تعمیق سایر اهداف (محبت، معرفت، یاد خدا) کمک می‌کنند.

جدول تحلیلی اهداف واسطی تربیت بینشی در راستای ارتباط انسان با خدا

مرحله	عنوان مرحله	اهداف واسطی	توضیح تحلیلی و پیوند مفهومی
۱	شناخت خدا (بنیاد معرفتی)	۱. شناخت خدا به‌عنوان تنها ملجأ حاجات ۲. شناخت رابطه آیه‌ای پدیده‌ها با خدا ۳. شناخت نعمت‌های الهی ۴. پی بردن به قدرت مطلق خدا ۵. آگاهی از علم لایتنهای الهی	ایجاد بستر معرفت اولیه و زمینه‌سازی برای توحید؛ مقدمات ضروری شکل‌گیری نگرش توحیدی
۲	توحید و نفی غیر	۶. تهلیل و نفی شرک از خدا ۷. خدا را تنها مؤثر در عالم دانستن ۸. شایسته عبادت دانستن خدا	تثبیت باورهای توحیدی با رویکرد کلامی و عبادی؛ عبور از ظاهر شناخت به عمق بینش توحیدی
۳	نگرش قلبی و گرایش عاطفی	۹. خدا را محبوب حقیقی دانستن ۱۰. نیک‌اندیشی درباره خدا ۱۱. شناخت پیامبر و اهل بیت	گذر از توحید نظری به محبت و اعتماد قلبی به خدا؛ زمینه‌ساز ارتباط عاطفی پایدار با خدا
۴	مراقبت و حضور قلبی	۱۲. حاضر و ناظر دانستن خدا ۱۳. به یاد خدا بودن	محصول نهایی تربیت بینشی که حضور دائم الهی را در دل و عمل نهادینه می‌کند؛ اوج بینش توحیدی

در ادامه به مهم‌ترین این اهداف واسطی و مؤلفه‌های آن پرداخته می‌شود.

یک. شناخت خدا به‌عنوان تنها ملجأ برآوردن حاجات

در نظام تربیت بینشی، اولین هدف واسطی بنیادین در بعد شناختی، به سبب فقر وجودی مطلق انسان، شناخت خداوند به‌عنوان تنها ملجأ در برآوردن حاجات است؛ هدفی که بر توحید در ربوبیت و اتکال مطلق به خداوند تأکید دارد. در این رویکرد، انسان درمی‌یابد که پناهگاه حقیقی در تمامی نیازهای مادی و معنوی تنها ذات اقدس الهی است. دعای قنوت امام رضا علیه السلام بیانگر این حقیقت است:

اللَّهُمَّ... قَنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضِي عَلَيْكَ، لَا مَنَجًا وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَفْرَأَ وَلَا مَهْرَبَ إِلَّا إِلَيْكَ (كفعمی، بی تا: ۵۲۶).

در این فراز، مفاهیمی چون حاکمیت مطلق خداوند بر قضا و قدر (إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضِي عَلَيْكَ) و انحصار نجات و پناه به سوی او (لا منجا ولا ملجأ...) برجسته‌اند. این عبارات دلالت روشنی دارند بر نفی هرگونه استقلال در ربوبیت از غیر خدا و وابستگی تام انسان به رب مطلق.

شناخت خدا به‌عنوان تنها ملجأ صرفاً باور احساسی نیست، بلکه نگرشی توحیدی و معرفتی است که بر انحصار فاعلیت، علم و قدرت الهی تأکید دارد. این نگرش انسان را از تکیه بر اسباب ظاهری و بی‌پشتوانه می‌رهاند و در برابر بحران‌ها، او را به سوی آرامشی درونی از جنس توکل و ایمان هدایت می‌کند. در بلندمدت، چنین معرفتی به استواری باور توحیدی، شکل‌گیری توکل پایدار و تثبیت ایمان فعال در رفتار منتهی می‌شود. از این رو، این هدف واسطی نقشی اساسی در پیکره منسجم بینش توحیدی دارد.

دو. شناخت رابطه پدیده‌های هستی با آفریدگار

در منظومه تربیت بینشی توحیدی، دومین هدف واسطی مهم در ساحت معرفتی «شناخت رابطه پدیده‌های هستی با آفریدگار» است. بر این اساس، طبیعت در نگاه موحد مجموعه‌ای از آیات الهی و آینه‌های صفات ربوبی تلقی می‌شود، نه موجوداتی مستقل و بی‌ربط. این نگرش نوعی تفسیر توحیدی از هستی ارائه می‌دهد که در آن هر پدیده نشانه‌ای از خداوند است.

دعای نبوی «يَا مَنْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ سَبِيلُهُ، يَا مَنْ فِي الْأَفَاقِ آيَاتُهُ، يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ» (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۱۷۲؛ کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۴۴۴) سه مؤلفه کلیدی را بیان می‌کند: قانونمندی عالم (سبیل)، آفاق به‌عنوان صحنه تجلی (آیات) و ظرفیت برهانی طبیعت (برهانه). بر این پایه، جهان نظامی جهت‌دار و هدفمند است و پدیده‌ها نقش آیه و واسطه‌ای معرفتی دارند. چنین نگرشی مؤمن را به تفکری نشانه‌شناسانه سوق می‌دهد که طبیعت را پلی برای شناخت خدا می‌داند و بدین‌سان، این هدف واسطی زمینه‌ساز تعمیق سایر مراتب بینش توحیدی همچون تهلیل، حب الهی و ذکر دائمی می‌شود.

سه. شناخت نعمت‌های الهی و اندیشه درباره آن

سومین هدف شناخت نعمت‌های الهی و اندیشه درباره آن شناختی است که در پرتو آن، فرد نه تنها به گستردگی و عمق الطاف الهی آگاه می‌شود، بلکه درکی توحیدی از منشأ همه نعمت‌ها می‌یابد و به تبع آن، در مسیر عبودیت و سپاسگزاری حقیقی قرار می‌گیرد. در دعای عرفه، حضرت سیدالشهدا علیه السلام با زبانی توحیدی و تأمل‌برانگیز عرضه می‌دارند:

فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا وَذَكَرًا؟ أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا؟ وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ (ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق: ۱۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۹۲ / ۳۰۰؛ کفعمی، ۱۴۰۵ ق: ۲۲۵).

این عبارت دعایی حاوی مؤلفه‌های کلیدی است: ۱. کثرت و فراگیری نعم الهی بیش از آن است که به احصا درآید؛ ۲. جبران ناپذیر بودن نعمت‌ها با شکر انسانی؛ هیچ نعمتی را نمی‌توان به‌تمامه شکر گزارد؛ ۳. ناتوانی عقل بشری در احصا و شناخت کامل عطایای الهی؛ ۴. بی‌نیازی خدا از شکر و فقدان استحقاق انسان برای دریافت نعمت.

این مفاهیم و عناصر جداگانه در شبکه‌ای منسجم با سایر اهداف واسطی تربیت بینشی در ارتباط با خدا معنا می‌یابند. شناخت نعمت‌ها بخشی از فرایند جامع معرفت‌الله است؛ زیرا نعمت جلوه‌ای از رحمت و ربوبیت خداوند است. انسان با تفکر در نعمت‌ها از ظاهر مادی آنها فراتر می‌رود و به حکمت، علم و جمال الهی، که در ورای هر نعمت نهفته است، توجه می‌یابد.

این سطح از تأمل نگرش توحیدی فرد را از یک باور سطحی به باوری تأمل‌ورزانه و همراه با شهود ارتقا می‌دهد؛ نگرشی که در آن خدا تنها منعم حقیقی، تنها مرجع فیض و تنها منبع رفع نیازهای وجودی انسان تلقی می‌شود. این بینش ریشه‌های معرفتی برای سایر اهداف مانند «شکر قلبی و زبانی»، «حب الهی» و «توکل» را تقویت می‌کند.

درنهایت، این هدف با سایر اهداف واسطی در تربیت بینشی ترکیب می‌شود و در ساختاری یکپارچه به تحقق نگرش توحیدی عمیق منجر خواهد شد؛ نگرشی که انسان را از غفلت و خودبسندگی نجات می‌دهد و به یاد و شکر مداوم می‌رساند.

چهار. پی بردن به قدرت مطلق خدا

در نظام تربیت بینشی اسلامی، پی بردن به قدرت مطلق خداوند یکی از بنیادی‌ترین اهدافی است که در کنار دیگر اهداف واسطی، مسیر رسیدن به نگرش توحیدی را هموار می‌سازد. این بینش در قلب و ذهن فرد نوعی توکل، امیدواری، آرامش و پناهجویی معنوی ایجاد می‌کند که در تربیت دینی نقش بنیادین دارد.

در دعایی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، آن حضرت، با تأکید بر قدرت مطلق الهی، درخواست فرج و گشایش از جانب خداوند دارند:

أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي فِي سَاعَتِي هَذِهِ، مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ، إِنَّكَ تَخِي
الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ وَإِنَّكَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (قندوزی، ۱۴۰۴ ق: ۵۰۴؛
طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۴۵؛ کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۴۸۰).

از این فراز چند عنصر اصلی قابل استخراج است: ۱. طلب فرج از خداوند: در شرایط دشوار، تنها خداوند منبع گشایش است؛ ۲. امکان فرج از راه‌های پیش‌بینی نشده و ناشناخته؛ یعنی قدرت خداوند از حدود عقل و تدبیر انسانی فراتر است؛ ۳. احیای استخوان پوسیده به‌عنوان مثال قرآنی از قدرت مطلق خدا در خلق دوباره؛ ۴. صفت «فعال لما یرید» به معنای اراده بی‌قید و قدرت تام بر هر چیز؛ ۵. «إِنَّكَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»: تأکید صریح بر قدرت نامحدود الهی.

این مفاهیم باید در نظام اهداف واسطی تربیت بینشی در کنار سایر اهداف تحلیل شوند. قدرت مطلق خداوند محور بنیادی اعتماد، اتکا و آرامش مؤمن است. چنین باوری فرد را از وابستگی‌های وهمی و ناتوانی‌های دروغین دنیوی آزاد می‌سازد و زمینه توکل حقیقی بر خالق را فراهم می‌آورد. به این ترتیب، این هدف واسطی در پیوندی مستقیم با اهدافی چون «یاد دائم خدا»، «خدا را تنها مؤثر حقیقی دانستن» و «شناخت خدا به‌عنوان ملجأ حاجات» قرار می‌گیرد.

از نگاه شهید صدر، چنین معرفتی تنها با نگاه داشتن نصوص به صورت جداگانه کافی نیست، بلکه در ترکیب این مدلول‌ها با یکدیگر، باید به تفسیر نظام‌مند دست یافت. در این راستا، «قدرت مطلق الهی» تبیین‌کننده علت حقیقی تحولات عالم و محور وحدت‌بخش برای درک هدف کلی «نگرش توحیدی» است.

پنج. آگاهی به علم لایزال الهی

آگاهی به علم لایزال الهی پنجمین هدف از اهداف واسطی تربیت بینشی در منظومه توحیدی است. فهم صفت «علیم» الهی صرفاً آشنایی با یکی از ویژگی‌های خداوند نیست، بلکه دریچه‌ای به سوی تحولی بنیادین در نگرش و سلوک انسان مؤمن می‌گشاید. هنگامی که فرد به گستره علم بی‌نهایت خداوند آگاه می‌شود، نوعی ارتباط درونی و عمیق‌تر با مبدأ هستی در وجود او شکل می‌گیرد که پیامدهایی تربیتی و روانی دارد.

آیات و ادعیه گویای این معنا هستند که علم الهی همه موجودات، ظاهر و باطن انسان‌ها و ژرفای نیت‌ها را دربرمی‌گیرد: «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (حدید / ۶)، و «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ يَكُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق: ۱۵۷). از این شواهد، مفاهیمی چون احاطه کامل علم الهی، آگاهی به نیت‌ها و ژرفای جان‌ها و حضور همیشگی خداوند در عرصه زندگی فردی قابل استنتاج است.

این شناخت در دل ساختار منسجم معرفت توحیدی معنا می‌یابد؛ بدین معنا که معرفت‌های جزئی باید در قالب نظامی هدفمند سامان یابند. براین اساس، آگاهی به صفت «علیم» منشأ پیدایش نگرش‌هایی همچون خشیت درونی، توکل و امید، صبر و رضا و اخلاص در رفتار است. درواقع، باور به علم بی‌پایان خدا مرزهای رفتار مؤمن را از سطحی بیرونی به باطنی عمیق گسترش می‌دهد. این هدف در پیوند با اهدافی چون «به یاد خدا بودن» و «حاضر و ناظر دانستن خدا» قرار دارد و در مجموع، نقشی کلیدی در پیوند دادن معرفت توحیدی با منش ایمانی ایفا می‌کند.

شش. تهلیل و نفی شریک از ذات باری تعالی

از این هدف به بعد وارد مرحله دوم (تثبیت باورهای توحیدی با رویکرد کلامی و عبادی) می‌شود. در منظومه تربیت بینشی، ذکر شریف «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صرفاً به‌عنوان یک گفتار زبانی یا شعار رایج تلقی نمی‌شود، بلکه واجد محتوایی عمیق و بنیادین در نظام تربیتی اسلام است. تهلیل در این چهارچوب بیانگر نفی هرگونه الوهیت جز خدای یگانه و اثبات یکتایی مطلق اوست؛ مفهومی که نه‌تنها ریشه در هستی‌شناسی توحیدی دارد، بلکه در سطح معرفت‌شناختی و تربیتی نیز نقش‌آفرین است. این معنا در متون روایی با تأکید بر سنگینی تهلیل در ترازوی حقیقت و برتری آن بر سایر اعمال عبادی برجسته شده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۸: ۶۸ حلی، ۱۴۱۰۷ ق: ۲۴۶). در دعای تهلیل منقول از امام صادق علیه السلام نیز، تهلیل، با توصیفاتى چون «احد»، «صمد»، «الملک» و «القدوس»، با اثبات صفات کمالیه الهی پیوند خورده است: «أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... أَحَدٌ صَمَدٌ... الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۱۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۱؛ محمد بن مسعود، ۱۴۲۰ ق: ۱ / ۲۱۱).

بر پایه روش تحلیل استنطاقی شهید صدر، تهلیل نه‌تنها معرف محوری‌ترین باور توحیدی است، بلکه معیاری برای تعیین مرز هویتی فرد مؤمن به شمار می‌رود؛ مرزی که سلطه‌های غیرالهی را مردود می‌داند و وابستگی به غیر خدا را نفی می‌کند. در این پرتو، تهلیل زمینه‌ساز روح عبودیت خالص، احساس بی‌نیازی از خلق، و حضور آگاهانه و مستمر انسان در پیشگاه پروردگار می‌شود. از این رو، تهلیل در تربیت بینشی، هم به مثابه بنیان معرفتی و هم جهت‌دهنده‌ای عملی برای تربیت فردی و اجتماعی، نقشی کلیدی دارد.

هفت. خدا را تنها مؤثر حقیقی در عالم دانستن

در این هدف، تأکید اصلی بر این اصل است که هیچ سببی به صورت مستقل در جهان تأثیرگذار نیست، بلکه همه چیز به اذن و اراده خداوند تحقق می‌یابد. عبارت معروف معرفتی و فلسفی «لا مؤثر فی الوجود إلا الله» بنیاد بینشی مهمی در نظام توحیدی است که در آثار حکما و عرفا نیز ریشه دارد و در دعاها به طور صریح و ضمنی بازتاب یافته است (ملا صدرا، ۱۴۱۲ ق: ۲ / ۳۹۲)؛ از جمله در دعای امام حسین علیه السلام درباره نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش:

يَا مَنْ فَعَلَهُ قَوْلٌ، وَقَوْلُهُ أَمْرٌ، وَأَمْرُهُ مَاضٍ... يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ (ابطحی، ۱۴۱۳ ق: ۲۷).

ذکر شریف «لا حول ولا قوة إلا بالله العظیم» که نشانگر نفی حول و قوه از غیر خداوند است و تسلیم در برابر اراده مطلق الهی را تعلیم می‌دهد؛ همچنین، دعای امام هادی علیه السلام درباره اراده فراگیر خداوند:

أَحْيَيْتَ يَه مَوَاتِ الْأَشْيَاءِ، وَأَمَتَّ يَه جَمِيعِ الْأَحْيَاءِ... وَأَرَيْتَ يَه كُبْرِي الْأَيَاتِ (همان: ۲۹۱ - ۲۹۰).

از شواهد یادشده این مؤلفه‌ها قابل استخراج است: ۱. خداوند فاعل حقیقی در هستی است؛ ۲. اسباب تحت تدبیر و اراده او عمل می‌کنند؛ ۳. افعال طبیعی (سوختن، زنده شدن، مرگ، اجتماع، افتراق و...) همه در سیطره قدرت و حکمت الهی‌اند؛ ۴. دعاها مؤکداً آموزش می‌دهند که انسان اسباب را باید به مثابه ابزارهایی در دست قدرت الهی ببیند، نه موجوداتی مستقل.

با کنار هم نهادن مؤلفه‌های به دست آمده، ساختاری منسجم برای فهم این هدف بینشی پدید می‌آید که با منظومه معرفتی توحید همخوان است. شهید صدر بر تفسیر وحدت‌گرایانه نصوص در قالب یک ساختار معنادار تأکید دارد. در پرتو این روش می‌توان گفت: همه اسباب طبیعی و علل ظاهری فاقد استقلال وجودی و تأثیری‌اند. نفی استقلال اسباب به معنای نفی عقلانیت یا انکار نظام علی نیست، بلکه مقصود فهم صحیح جایگاه اسباب در سلسله تدبیر الهی است.

باور به مؤثر بودن تنها خدا منشأ تربیت روحیاتی چون توکل، تواضع، نفی غرور علمی، شکر بر نعمت و صبر در سختی‌ها و رنج‌هاست.

درنهایت، چنین نگاهی نوعی بازسازی عمیق در ذهنیت و نگاه انسان به هستی و رخدادهای آن ایجاد می‌کند و او را به سوی بندگی ناب و بینش الهی سوق می‌دهد.

هشت. شایسته عبادت دانستن پروردگار

انسان، پس از درک توحید در ذات، صفات و افعال الهی، به مرحله‌ای می‌رسد که خدا را نه برای ترس از جهنم یا طمع در بهشت، بلکه تنها به دلیل اهلیت ذاتی خداوند برای عبادت می‌پرستد: «لَكِنَّ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» (همان: ۱۳۷). امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف مرتبه عالی عبودیت می‌فرماید: «لَكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ... فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۶۷ / ۱۸۶).

هدف عبودیت رهایی از شرک در عبادت است. موحد حقیقی نه تنها به توحید در ذات و صفات باور دارد، بلکه در مقام عمل و بندگی نیز جز خدا را سزاوار پرستش نمی‌بیند. طبق نظر آیت‌الله جوادی آملی، کسی که بر هوای نفس غلبه کرده و به عشق الهی رسیده است، عبادت را نه از روی منفعت‌طلبی، بلکه به‌عنوان تشکر از گشودن در گفتگو با محبوب انجام می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۵).

مؤلفه‌های پیشین در قالب یک ساختار بینشی یکپارچه سامان می‌یابند. بر اساس روش استنطاقی شهید صدر، این هدف واسطی را می‌توان در بستر یک منظومه بینشی توحیدی چنین تبیین کرد: عبودیت نتیجه منطقی شناخت توحید در ساحت‌های سه‌گانه (ذات، صفات، افعال) است. تنها معبودی که «اهلیت ذاتی» برای پرستش دارد خداوند متعال است. عبادت حقیقی، به جای آنکه بر ترس یا طمع استوار باشد، بر اساس محبت، معرفت و کرامت روحی انسان شکل می‌گیرد. این نوع عبودیت، به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام، «عبادت کریمان» است و با آرامش و امنیت وجودی همراه است: «وَهُمْ مِنْ فَرَعِ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (نمل / ۸۹).

از منظر تربیتی، این نوع بینش در عبودیت سبب تهذیب نیت، خلوص در عمل، آرامش در ارتباط با خدا و رهایی از شرک پنهان (ریا، عجب، تظاهر عبادی) می‌شود.

پس از تثبیت توحید نظری، تربیت بینشی فرد را به سوی توحید عملی در عبودیت سوق می‌دهد. این بینش عالی‌ترین مرحله در مسیر تربیت توحیدی است؛ جایی که انسان خدا را نه برای عطای او، بلکه برای خود او می‌پرستد. در این مرتبه، عبودیت، نه ابزار نجات، بلکه تجلی عشق و کرامت روحی انسان عارف است.

نه. محبت الهی به مثابه تنها محبوب حقیقی

این هدف واسطی نقطه گذار از شناخت نظری به گرایش قلبی در سیر تربیت دینی انسان است و مرحله سوم از روند تحول بینش توحیدی را شکل می‌دهد. در این مرحله، محبت به خداوند نه صرفاً یک احساس، بلکه گرایشی عمیق، درونی و هستی‌شناختی است که فرد را در نسبت وجودی با معشوق مطلق قرار می‌دهد.

بر پایه تحلیل استنطاقی نصوص دینی، در گام نخست، مفاهیم کلیدی مرتبط با این نگرش استخراج شد. حدیث «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (متقی هندی، ۱۴۱۳ ق: ۱۶ / ۱۳) نشان می‌دهد که محبت تعیین‌کننده جایگاه وجودی انسان است. در دعای نبوی «أحِبِّني وَحِبِّني... اذْکرُ آیادی عِنْدَهُمْ» (الراوندی، ۱۴۰۹ ق: ۲۰۶ - ۲۰۵)، بر نقش یادآوری نعمت‌ها در تحریک محبت الهی تأکید شده است. همچنین، در مناجات المحبین امام سجاد علیه السلام، عباراتی چون «مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ» و «مَلَأَتْ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۹۱ / ۱۵۳ - ۱۴۲) به انحصار محبت الهی و فراگیر شدن آن در جان مؤمن اشاره دارد.

در مرحله دوم تحلیل، این مفاهیم در چهارچوب نگرش توحیدی تفسیر شد. محبت الهی به‌عنوان گرایشی پایدار، هم از شناخت جمال و نعمت‌های الهی سرچشمه می‌گیرد و هم به طرد اغیار از دل می‌انجامد. این تجربه به تحقق «توحید در محبت» منجر می‌شود که انسان را به اخلاص، آرامش، پایداری در عبادت و انگیزه خدمت بی‌ریا سوق می‌دهد.

درنهایت، این هدف واسطی پیوندی میان معرفت توحیدی و حضور قلبی مستمر برقرار می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که محبت خدا شعله‌ای دائمی برای زنده نگه داشتن یاد الهی در دل انسان می‌شود و او را به سوی عبودیتی عاشقانه و اخلاقی سوق می‌دهد.

ده. نیک‌اندیشی درباره خداوند

در چهارچوب اهداف واسطی تربیت بینشی و به‌منظور تحقق هدف کلی ایجاد نگرش توحیدی، «نیک‌اندیشی درباره خداوند» (حُسْنُ ظَنِّ بِاللَّهِ) به مثابه یکی از مؤلفه‌های کلیدی مطرح می‌شود. این نگرش ریشه در باور به حکمت، علم، قدرت و رحمت بی‌پایان الهی دارد و فراتر از شناخت نظری و محبت عاطفی، به تعمیق رابطه درونی انسان با پروردگار منجر می‌شود. روایات اسلامی حسن ظن را هنگامی ارزشمند می‌دانند که با خوف از گناه همراه باشد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام تصریح می‌کنند: «حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ لَا يَصْرُفُ مَعَهُ الخَوْفُ» (همان: ۶۷ / ۳۶۷). این توازن میان خوف و رجا ثمره‌ای از شناخت توحیدی از صفات جمال و جلال الهی است. در فرازی از صحیفه سجادیه نیز آمده: «أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ» (عاملی، ۱۳۳۲ ق: ۱۱۴) که نشان‌دهنده پیوند وثیق حسن ظن با توکل راستین است. افزون بر این، امام سجاد علیه السلام در فراز دیگری از دعا بر امید به اجابت الهی تأکید دارند و آن را مانعی در برابر یأس و نومیدی می‌دانند (همان: ۱۱۹). از منظر روایی نیز، تلخی‌های ظاهری تقدیر الهی پوششی بر خیر و مصلحت حقیقی بندگان است (محمودی، ۱۳۸۸: ۲ / ۴۵). چنین بینشی

نگرشی عمیق و توحیدی به تدبیر الهی در امور زندگی می‌بخشد و در تربیت روحی مؤمن نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

یازده. شناخت پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام

یکی از ارکان اساسی تربیت بینشی است که نقش مقدمه‌ای راهبردی در تحقق معرفت توحیدی و کمال اخلاقی ایفا می‌کند. این شناخت صرفاً مقدمه‌ای بر خداشناسی نیست، بلکه بستری برای تهذیب نفس، ارتقای معنویت و تحقق سبک زندگی دینی نیز محسوب می‌شود. بر پایه روایت منقول از ابن طاووس، معرفت خدا بدون شناخت پیامبر و امام صرفاً تصویری ناقص از خداشناسی است و به معرفت حقیقی نمی‌انجامد (ابن طاووس، ۱۳۷۰: ۵۲۱ - ۵۲۰).

سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام تجلی عینی آموزه‌های الهی و معیار تحقق توحید عملی است. قرآن کریم بر الگو بودن رسول خدا ﷺ تأکید دارد (احزاب / ۲۱) و روایات اهل بیت: نیز ادامه‌دهنده همان مسیر تربیتی‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۸ / ۹۱). این شناخت، فراتر از دانستن اسامی و رویدادهای تاریخی، شامل فهم دقیق ویژگی‌های اخلاقی، اعتقادی، رفتاری و عبادی این بزرگواران است. در پرتو این شناخت، انسان با الگویی مجسم از ایمان، عدالت، حلم، بندگی، تواضع و ایثار آشنا می‌شود.

روش استنطاقی شهید صدر نشان می‌دهد که بدون معرفت به راهنمایان الهی، تربیت بینشی دچار نقص خواهد شد. آنان واسطه‌هایی میان شناخت الهی و عمل انسانی‌اند که هم بُعد نظری توحید را تکمیل می‌کنند و هم بُعد اخلاقی آن را سامان می‌دهند. محبت به اهل بیت علیهم السلام نیز تقویت‌کننده گرایش قلبی به خداوند و عامل تعمیق ارتباط عاطفی با اوست.

از منظر تربیتی، این هدف واسطی سبب تعمیق باورهای توحیدی، تقویت اخلاق فضیلت‌مدار، الگوبرداری در سبک زندگی و استواری در مسیر ولایت می‌شود. همچنین، این هدف با سایر اهداف بینشی چون شناخت خدا، محبت الهی، توکل به خداوند و نیک‌اندیشی درباره او هم‌افزاست و به تکوین نگرش توحیدی متعادل و جامع یاری می‌رساند. در نتیجه، شناخت پیامبر و اهل بیت علیهم السلام پلی میان خداشناسی نظری و دین‌داری عملی است و نقشی بنیادین در تکامل تربیت بینشی ایفا می‌کند.

دوازده. حاضر و ناظر دانستن خداوند

حاضر و ناظر دانستن خداوند محصول نهایی تربیت بینشی است و حضور دائم الهی را در دل و عمل نهادینه می‌کند و به تثبیت نگرش توحیدی در عرصه عمل و تقویت حضور قلبی در ارتباط با خداوند منتهی می‌شود. این آگاهی نه تنها مبنای تعمیق احساس مسئولیت اخلاقی در فرد است، بلکه زمینه‌ساز

تقوا، خودمهاری و تهذیب نفس در پرتو نظارت درونی می‌شود. در منابع دعایی، بر حضور پیوسته و نظارت مطلق الهی تأکید شده است: «أنتَ الرَّقِيبُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي» (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۹۲؛ طبرسی، ۱۳۹۲ ق: ۳۰۹؛ کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۳۵؛ کفعمی، ۱۴۰۵ ق: ۴۹)؛ یعنی تویی که در همه حال مراقب منی. این نظارت از صفاتی چون «سمیع»، «بصیر»، «علیم» و «شهید» نشئت می‌گیرد که دلالت بر احاطه دائمی خداوند بر تمام افعال و افکار انسان دارند (کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۸۴ / ۲۳۶).

تحلیل استنتاجی این هدف در سه سطح قابل تبیین است: نخست در سطح توصیفی، آگاهی به حضور علمی، شهودی و کنترلی خداوند در تمامی عرصه‌های زندگی معنا می‌یابد؛ دوم در سطح تفسیر تربیتی، این آگاهی، به‌عنوان منشأ مراقبت دائمی از رفتار، گفتار و نیت، سبب تقویت مسئولیت‌پذیری می‌شود؛ سوم در سطح تبیینی، این هدف پایه‌ای‌ترین عنصر در ایجاد خودکنترلی، پرورش تقوا و اخلاص عملی معرفی می‌شود.

نقش تربیتی این هدف در ایجاد مهار درونی، اصلاح رفتار، انس لحظه‌ای با خدا و استمرار بندگی نمایان است. همچنین، با اهدافی همچون شناخت خداوند، محبت الهی و شناخت پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ ارتباط وثیق دارد؛ چراکه حضور خداوند ظهور عینی صفات فعلی اوست و اهل بیت ﷺ نمونه‌های عینی این مراقبت دائم‌اند.

در جمع‌بندی، آگاهی به نظارت مستمر الهی پلی میان معرفت نظری و رفتار مؤمنانه است و بستری مطمئن برای تحقق شخصیت ایمانی و پایبندی عملی به آموزه‌های توحیدی فراهم می‌سازد.

سیزده. همواره به یاد خدا بودن: یاد مستمر خداوند

یاد همیشگی خداوند اوج بینش توحیدی و یکی از ارکان اساسی در تثبیت بینش توحیدی و تقویت پیوستگی معنوی با پروردگار است (کلینی، ۱۳۶۵ ق: ۲ / ۱۳). در فرایند تربیت بینشی، این هدف واسطی به‌عنوان محرکی پایدار برای بیداری فطرت، تهذیب نفس و استقامت در مسیر عبودیت ایفای نقش می‌کند (مطهری، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۲۶). یاد خدا صرفاً یک کنش عبادی نیست، بلکه تجلی آگاهانه حضور الهی در متن زندگی روزمره انسان است (باقری، ۱۳۹۸).

بر پایه آموزه‌های قرآنی، یاد خدا مایه آرامش و استواری قلب معرفی شده است: «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸). در ادعیه مأثور، به‌ویژه در صحیفه سجاده‌یه، امام سجاده ﷺ با لحنی مؤثر از خداوند درخواست می‌کنند که ایشان را از غفلت دور دارد و همواره به ذکر الهی متذکر سازد: «اللَّهُمَّ... وَتَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ» (عاملی، ۱۳۳۲ ق: ۱۲۳). این مضامین نشان‌دهنده جایگاه محوری یاد خدا در حیات ایمانی‌اند.

در چهارچوب روش استنطاقی شهید صدر، این هدف در سه سطح قابل تبیین است:

۱. در سطح مفهومی، یاد خدا به معنای آگاهی مستمر از حضور و صفات الهی در تمامی شئون زندگی است؛
 ۲. در سطح اثرگذاری، یاد الهی سبب بیدارسازی فطرت، ایجاد آرامش، تقویت مقاومت در برابر لغزش و استمرار در مسیر بندگی می‌شود؛
 ۳. در سطح نظام‌مندی، این هدف به‌عنوان ضامن مراقبت عملی و خودآگاهی مداوم، تجلی عینی حضور قلبی در رفتار و تصمیم‌گیری‌های روزمره است.
- یاد خدا در پیوند مستقیم با هدف حاضر و ناظر دانستن خدا قرار دارد و نقش مکمل در تحقق اهدافی چون شناخت خدا، گرایش قلبی و الگوبرداری از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت  ایفا می‌کند. بدون آن، بینش توحیدی در جان انسان استقرار نمی‌یابد و ایمان به مرتبه عمل و حضور قلبی نمی‌رسد.
- درنهایت، یاد دائم خداوند بنیان حیاتی برای شکل‌گیری شخصیت ایمانی و تحکیم پیوند مستمر بنده با خالق است؛ عاملی که نه‌تنها از غفلت می‌رهاند، بلکه آرامش و تعالی درونی را در پرتو اتصال دائم به منبع کمال تضمین می‌کند.

نتیجه

نتایج این پژوهش، با بهره‌گیری از روش استنطاقی در تحلیل متون دینی، به شناسایی و تبیین اهداف واسطی تربیت بینشی در ارتباط انسان با خدا انجامید. یافته‌ها نشان می‌دهد که این اهداف، فراتر از شناخت صرف خداوند، شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری این معرفت است و در قالب مؤلفه‌های مهمی چون: مرحله اول (شناخت خدا) به‌عنوان تنها ملجأ، شناخت رابطه آیه‌ای با هستی، شناخت نعمت‌ها، قدرت و علم خدا و در مرحله دوم (تثبیت توحید) تهلیل و نفی شریک، تنها خدا مؤثر است و فقط او شایسته عبادت و در مرحله سوم (نگرش عاطفی) خدا را معشوق حقیقی دانستن و نیک‌اندیشی به خدا و شناخت پیامبر و اهل بیت  و در مرحله چهارم محصول نهایی تربیت بینشی که حضور و یاد دائم الهی را در دل و عمل نهادینه می‌کند قابل شناسایی‌اند. هر یک از این مؤلفه‌ها در نظام هدف‌گذاری تربیت بینشی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کنند که زمینه‌ساز ایجاد نگرش توحیدی و تعمیق ارتباط معنوی انسان با پروردگار، تهذیب نفس، و شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و دینی می‌شود.

تفسیر این یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت بینشی محدود به شناخت نظری از خداوند نیست، بلکه با تقویت گرایش قلبی، اعتماد و امید به خداوند و مسئولیت‌پذیری فرد در برابر پروردگار، او را به عبودیت آگاهانه و عمل صالح سوق می‌دهد. در این میان، تأکید بر پیوند معرفت الهی با معرفت پیامبر ﷺ و اهل بیت  بر ضرورت حرکت در مسیر ولایت برای تحقق تربیت بینشی مؤثر صحنه می‌گذارد.

از منظر کاربردی، این مؤلفه‌ها می‌توانند مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی در نهادهای دینی، فرهنگی و تربیتی قرار گیرند. همچنین، پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیر این اهداف را بر ارتقای رفتار دینی و سلامت روانی بررسی، و کارکرد آن را در مواجهه با چالش‌های معنوی معاصر تحلیل کنند. بازناسی این اهداف و مؤلفه‌ها گامی مؤثر در جهت تحقق تربیت دینی عمیق و کارآمد در عصر حاضر خواهد بود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابطحی، سید محمد باقر (۱۴۲۰ق). *الصحیفه الحسینیه الجامعه*، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۸). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: منشورات شریف رضی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۰). *جماع الاسبوع بکمال العمل المشروع*. تحقیق جواد قیومی. قم: نشر آفاق.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۰). *فلاح السائل*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق). *اقبال الاعمال*. تحقیق جواد قیومی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۲۰ق). *العیاشی*. قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۲۵ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. بیروت: دار الاضواء.
- اسماعیل علی، سعید (۱۳۹۱). *مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی*. ترجمه بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امیری طهرانی زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). *پیش‌درآمدی بر مسئله‌شناسی علوم اجتماعی در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اویسی، کامران (تابستان ۱۴۰۳). تبیین نقش مولفه‌های بینشی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی از منظر قرآن، قرآن و علوم اجتماعی. ۴ (۲). پیاپی ۱۴. ۱۰۳ - ۷۲.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). *مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: سمت.
- باقری، خسرو (۱۳۹۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: مدرسه.
- بناری، علی‌همت (۱۳۸۳). *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

- بناری، علی‌همت (۱۳۸۹). در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی. دو فصلنامه تربیت اسلامی. ۲ (۳).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *قرآن در قرآن*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *رازهای نماز*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۲). *رساله نور در ذکر و ذاکر و مذکور*. قم: تشیع.
- حسینی نیشابوری، علی‌اکبر و محمدحسین صاعد رازی (۱۴۰۳). *نظام تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: دار المبلغین.
- حسینی‌زاده، سید علی (۱۴۰۲). *تعلیم و تربیت اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حلی، حسن بن یوسف، نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
- الراوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). *قصص الأنبياء*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ریویر، کلود (۱۳۹۷). *جامعه انسان‌شناسی ادیان*. ترجمه علیرضا خدای. تهران: نشر نی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۴۰۳). *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: نشر دوران.
- شاملی، عباسعلی (۱۳۹۴). *بنیان‌های دینی و فلسفی نظام تعلیم و تربیت اسلامی*. تهران: سادس.
- شریفی، حسن‌پاشا (۱۳۸۴). *اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی*. تهران: رشد.
- شیرازی (ملا صدرا)، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۴۱۲ ق). *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۱). *سنت‌های تاریخ در قرآن* (تفسیر موضوعی). ترجمه سید جمال‌الدین موسوی. بی‌جا: بی‌نا.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۸ ق). *المدرسة القرآنیة*. قم: مرکز الابحاث والدراسات للشهید الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا). *اقتصاد ما*. ترجمه ع. اسپهبدی. تهران: اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ ق). *مکارم الاخلاق*. قم: منشورات الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق). *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسة البعثة.
- عاملی، محمد بن حسن (۱۳۳۲ ق). *الصحیفة الثانیة السجادیة*. قاهره: مطبعة النیل.
- فرهادیان، رضا (۱۳۹۰). *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و حدیث*. قم: بوستان کتاب.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). *بنایع الموده*. بیروت: دار الاسوة للطباعة والنشر.

- کارآمدپیشه، حسین (۱۴۰۱). *آشنایی با تربیت اسلامی*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۵). *تربیت چه چیز نیست؟*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ ق). *المصباح فی الادعیه و الصلوات*. تهران: شریف رضی.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ ق). *البلد الامین و الدرع الحصین*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (بی تا). *الجنة الواقیه*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتب اسلامی.
- گرونلند، ادوارد (۱۳۸۲). *هدف‌های رفتاری برای تدریس و ارزشیابی*. ترجمه امان‌الله صفوی. تهران: جوانه‌های رشد.
- متقی هندی، علاء‌الدین متقی بن حسام‌الدین (۱۴۳۱ ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محمودی، حسن (۱۳۸۸). *شهود و شناخت*. قم: بوستان کتاب.
- مخلصی، عباس (۱۳۷۶). *نگاهی به تلاش‌های احیاگرانه شهید صدر*. حوزه. ۲۰ (۲). ۱۵۳ - ۱۲۰.
- مشهدی، محمد بن جعفر (۱۳۸۹). *المزار الکبیر*. تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). *مجموعه آثار*. قم: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- میالاره، گاستون (۱۳۷۵). *معنی و حدود علوم تربیتی*. ترجمه علی‌محمد کاردان. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی